

دکتر دیوید ای. دسیلوا، عبرانیان، جلسه ۱۲ عبرانیان ۱: ۳-۱: پاسخی خداپسندانه

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

در حالی که برخی از محققان فصل ۱۳ را مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های الحاقی می‌دانند که جزئی جدایی‌ناپذیر از خطبه و شاید حتی ویرایش بعدی آن نیستند، این نصایح در واقع مستقیماً هم به استدلال خطبه قبلی و هم به چالش‌های پیش روی جماعت مربوط می‌شوند. واعظ در اینجا به شنوندگان دستورالعمل‌های خاصی در مورد چگونگی استقامت در مواجهه با جامعه‌ای متخاصم و رسیدن ایمن و بدون خستگی به هدف شهر پایدار آینده می‌دهد. عبرانیان ۱۳: ۱ تا ۲۱، واکنشی را که نشان دهنده قدردانی از خدا و خشنودی خداست، تشریح می‌کند.

که در (euarestos) «این متن در داخل پرانتز قرار گرفته و با کلماتی مرتبط با اصطلاح «به طور خوشایند نصیحت مقدّماتی ۱۲۲۸ آمده است، انسجام موضوعی پیدا کرده است»: بیایید سپاسگزاری کنیم و از طریق آن خدا را به شیوه‌ای خوشایند پرستش کنیم. «همین اصطلاح در نزدیکی انتهای این نصیحت‌ها در فصل ۱۳، آیه ۱۶ آمده است»: نیکوکاری و بخشش را فراموش نکنیم، زیرا با چنین فداکاری‌هایی خدا خشنود و سپس، در نهایت، در دعای خیری که بخش موعظه این متن را به پایان می‌رساند. (euaresto) «است پیش از (euareston)، نویسنده را می‌بینیم که دعا می‌کند که خدا، نقل قول، آنچه را که خشنود است «او، از طریق عیسی مسیح در شما به عمل آورد».

البته، این گروه کلمات، عبرانیان ۱۱:۵ تا ۶ را نیز به یاد می‌آورد، جایی که خشنودی خدا برای غلبه بر مرگ، ضروری است و نتیجه توکل به خدا، ادامه اتکا به لطف خدا و پاسخ صادقانه به خداست. در این فصل نویسنده توصیه‌هایی را برای حفظ همبستگی و حمایت در سراسر گروه مسیحی ارائه می‌دهد، که به مؤمنان اجازه می‌دهد در اعتراف به امید، هر چقدر هم که به حاشیه رانده شوند، استقامت کنند. او شنوندگان را نصیحت می‌کند که از دنبال کردن مقام و ثروت در این دنیا دوری کنند و به شنوندگان توصیه‌هایی ارائه می‌دهد تا استحکام خود را در عیسی و رابطه فیض برقرار شده از طریق عیسی با خدا بیابند.

همه این موارد، در کنار هم، نشان می‌دهند که چگونه می‌توان به شیوه‌ای خداپسندانه زندگی کرد و چگونه می‌توان برای مزایای دریافتی و مزایایی که در راه است، بازگشتی عادلانه و شایسته به خدا داشت. خطبه با مطالبی به پایان می‌رسد که با ابزار ارتباطی که نویسنده به آن محدود شده است، یعنی ارسال خطبه به شکل یک ارتباط کتبی، کاملاً متناسب است. بنابراین، در عبرانیان ۱۳، ۱۸ تا ۲۵، عناصری را می‌یابیم که معمولاً یک رساله را به پایان می‌رسانند، به خصوص که این عناصر در گفتمان مسیحی شناخته شده هستند.

با این کار، نویسنده یکی از عمیق‌ترین بخش‌های ارتباطی در عهد جدید را به پایان می‌رساند. در عبرانیان ۱۶ تا ۶، نویسنده برخی از رفتارها و جهت‌گیری‌های کلیدی را به مخاطبان خود توصیه می‌کند. این بخش از ۱. طریق کلمات مرتبط با واژه یونانی «فیل» «که به عشق و محبت مربوط می‌شود (انسجام می‌یابد).

، این واژه چندین بار در این شش آیه آمده است. فیل، آدلفیا، برای عشق برادرانه، در آیه ۱. فیل، اوکسِنیا، برای مهمان‌نوازی، در آیه ۲. و آفیل، آرگوروس، برای پرهیز از عشق به پول، در آیه ۵. و بنابراین می‌خوانیم، بگذارید عشق برادرانه ادامه یابد. فراموش نکنید که به مهمانان عشق بورزید، زیرا از طریق مهمان‌نوازی، برخی ناخواسته از فرشتگان پذیرایی کرده‌اند.

به یاد داشته باشید که زندانیان با آنها زندانی هستند، و به یاد داشته باشید که با آنها بدرفتاری می‌شود، گویی شما نیز در پوست آنها هستید. بگذارید ازدواج در همه چیز محترم شمرده شود و بستر زناشویی پاک نگه داشته شود، زیرا خدا زناکاران و زانیان را داوری خواهد کرد. در این چهار آیه آغازین، نویسنده قبل از هر چیز به اهمیت حفظ فیل-آدلفیا، عشقی که مشخصه خواهر و برادر است، اشاره می‌کند.

اخلاق خواهران و برادران موضوع مهمی در آثار اخلاقی دوره یونانی-رومی بود. کتاب هشتم اخلاق نیکوماخوسی ارسطو و رساله محبت برادرانه پلوتارک دو نمونه از چگونگی رفتار برادران و خواهران از نظر اخلاق دانان یونانی را ارائه می‌دهند. در واقع، در آن اخلاق فرهنگی بزرگ‌تر، عناصر بسیاری از عشق به برادران و خواهران را می‌یابیم که نویسندگان مسیحی به مخاطبان خود توصیه می‌کنند.

برای مثال، همکاری، همبستگی و به اشتراک گذاشتن دارایی‌ها، همگی ارزش‌هایی هستند که باید در میان خویشاوندان رعایت شوند. البته، در جامعه مسیحی، این ارزش‌ها در میان خویشاوندان طبیعی وجود ندارد بلکه در میان افرادی است که با آرمان‌ها و تعهدات مشترک، و به ویژه با این باور که همه آنها توسط خدا در یک خانواده پذیرفته شده‌اند، با هم مرتبط شده‌اند. عشق و حمایت متقابل توسط گروه، فیل-آدلفیا، آن سطح از فداکاری، خویشاوندی و سرمایه‌گذاری شدید روی یکدیگر، باید شبکه‌های از دست رفته حمایت و روابط خارج از گروه را جبران می‌کرد و همچنین اثرات فرسایشی طرد و خصومت همسایگان کافر مسیحی را جبران می‌کرد.

دومین ویژگی که نویسنده در اینجا ترویج می‌دهد، مهمان‌نوازی، عشق به مهمانان و غریبه‌ها است. این یک عمل ضروری برای حفظ یک جامعه مسیحی بود، اولاً به این دلیل که وجود عبادت جمعی مسیحی به تمایل افراد برای باز کردن خانه‌هایشان برای جلسات گروه بستگی داشت، علی‌رغم اینکه در برخی موارد، این کار باعث ایجاد انگ می‌شد، زیرا فرد خود و خانواده‌اش را حامی جنبش مسیحی معرفی می‌کرد. جنبش اولیه مسیحیت همچنین به مهمان‌نوازی برای مبلغان سیار، معلمان سیار و فرستادگان کلیساها وابسته بود بنابراین مهمان‌نوازی در کنار عشق به خواهر و برادر، فیل و آدلفیا، برای حفظ گروه و شبکه کلیساهای اولیه مسیحی یک ارزش اساسی بود.

توجیهی که نویسنده برای حفظ عشق به مهمانان ارائه می‌دهد، اشاره‌ای کلی به آن دسته از داستان‌های کتاب مقدس است که در آن‌ها مهمان‌نوازی به طور ناخودآگاه به فرشتگان نیز سرایت می‌کرد. در اینجا، می‌توانیم به ویژه به داستان‌های پیدایش ۱۸ و ۱۹ فکر کنیم که در آن‌ها ابراهیم و سارا و سپس لوط نسبت به غریبه‌هایی که معلوم می‌شود فرشتگان خداوند هستند، مهمان‌نوازی نشان می‌دهند. سومین دستور در این مجموعه این است که کسانی را که در زندان هستند، چنان به یاد داشته باشیم که گویی با آن‌ها در زندان هستند و کسانی را که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، چنان که گویی در پوست خود هستند.

دستور آغازین به یادآوری، با دستور «فراموش نکن» در آیه دوم، تعادل هنری و اجتناب از تکرار را فراهم می‌کند. این دستور بار دیگر بر اهمیت ارائه کمک به شکل حمایت مادی و عاطفی به مؤمنانی که جامعه بیشترین هدف قرار داده است، تأکید می‌کند. اگر گروه مایل به بسیج چنین حمایتی در چنین شرایطی بود، هر عضو گروه می‌دانست که هر چه جامعه سر را هم قرار دهد، خواهران و برادران مرا بی‌تأثیر نخواهند گذاشت.

آنها مرا ناامید نخواهند کرد. این اعتقاد که خواهر و برادرها چنان به هم نزدیک بودند که در اصل یک چیز بودند، هرچند در افراد جداگانه، همانطور که ارسطو در اخلاق خود بیان می‌کند، زیربنای این توصیه است که رنج‌های دیگری را رنج‌های خود بدانیم و آنها را با تمام وجود و شجاعتی که امیدواریم رنج‌های خود را تسکین دهیم، تسکین دهیم. لوسیان، طنزپرداز، گواهی می‌دهد که این نگرش تا قرن دوم میلادی کاملاً در بین مسیحیان تثبیت شده است.

طنز او با عنوان «درگذشت پرگرنوس» دریچه‌ای به چگونگی مراقبت و حمایت مسیحیان از پروان خود می‌گشاید. در این داستان، پرگرنوس اساساً یک فیلسوف بی‌عرضه و دین‌فروش است که مدتی خود را به عنوان یک معلم و فیلسوف مسیحی جا می‌زند و بنابراین از کلیسای به کلیسای دیگر می‌رود و اساساً مدتی از حمایت این جنبش مسیحی سوءاستفاده می‌کند. وقتی پرگرنوس خود را به زندان می‌اندازد، مسیحیان برای مراقبت از او، همراهی با او و فراهم کردن هر آنچه نیاز دارند، به میدان می‌آیند.

لوسیان این را اینگونه توضیح می‌دهد. بنابراین، اولین قانونگذار آنها، در اینجا با فکر کردن به عیسی، آنها را متقاعد کرد که همه برادر و خواهر یکدیگر هستند. بنابراین، آنها همه چیز، همه کالاهای مادی را بدون هیچ تبعیضی تحقیر می‌کنند و آنها را دارایی مشترک می‌دانند.

به عنوان خواهر و برادر در مسیح، مؤمنان باید از هر نظر با هم متحد شوند تا هر عضو خانواده به سلامت به هدف آسمانی برسد. در گذشته، مخاطبان واعظ، همانطور که واعظ در فصل 10، آیات 32 تا یادآوری می‌کند، این ویژگی را نشان می‌دادند که از همدردی و کمک و حمایت از خواهران و برادران به 34 حاشیه رانده شده خود غافل نشوند. و بنابراین، در این نصیحت، او آنها را ترغیب می‌کند که بیشتر و بیشتر این کار را انجام دهند.

در ۱۳.۴، نویسنده تمرکز خود را به انواع عشقی که نباید نشان داد، معطوف می‌کند. در اینجا، وفاداری در ازدواج به عنوان یک ارزش مداوم در میان گروه مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین، با پرهیز از اشکال نادرست عشق، مؤمن می‌کوشد از آسیب رساندن به روابط صمیمانه بین افرادی که باید در امر مسیحی از یکدیگر حمایت بیشتری داشته باشند، جلوگیری کند.

منطقی که او ارائه می‌دهد، اکنون برای شنوندگان آشنا خواهد بود: داوری آینده‌ی خدا بر زناکاران و زانیان نوع دوم عشقی که مردم را از حرکت رو به جلوییشان به سوی خدا دور می‌کند، عشق به پول است که در این شرایط به همان اندازه برای تعهد مسیحی مخرب و فرساینده خواهد بود، زیرا محرومیت از پول یکی از تکنیک‌های کنترل انحراف جامعه است، همانطور که نویسنده در فصل ۱۰، آیه ۳۴ به شنوندگان یادآوری کرده است. در گذشته، آنها به چالش کشیده می‌شدند تا با شادی تصرف یا غارت اموال خود را به عنوان یکی از راه‌هایی که از طریق آن از تلاش‌های جامعه برای عقب نگه داشتن خود عبور می‌کردند، بپذیرند.

از این رو، نویسنده شنوندگان را تشویق می‌کند که راه خود را از عشق به پول رها کنند و به آنچه دارند قناعت کنند، زیرا خود او گفته است: «من هرگز شما را ترک نخواهم کرد و شما را رها نخواهم کرد تا ما «جرات کنیم بگوئیم، خداوند یاور من است. من نخواهم ترسید. یک انسان با من چه می‌تواند بکند؟ نویسنده صرفاً آنها را ترغیب نمی‌کند که از حرص و طمع دوری کنند، بلکه به جای آن، به دنبال این نیستند که به قیمت از دست دادن پاداش خود، آنچه را که در گذشته به خاطر مسیح از دست دادند، دوباره به دست آورند.

قطع وابستگی آنها به ثروت، اکنون دارایی‌های بهتری و پایداری را در کشوری برایشان به ارمغان خواهد آورد که در آن افتخار فرزندان خدا خواهند بود. نویسنده همچنین در سراسر خطبه بر آنچه شنوندگان در واقع دارند تأکید می‌کند. یکی از مزایای اصلی که آنها از آن برخوردارند، دسترسی به لطف خدا برای کمک به موقع در طول سفر زیارتی‌شان است، همانطور که نویسنده در فصل ۴، آیه ۱۶ آنها را نصیحت کرده بود: پس بیایید با جسارت به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را بیابیم که در زمان نیاز به ما کمک کند.

او در اینجا با استفاده از کلمات کتاب مقدس، این امتیاز را به آنها یادآوری می‌کند، زیرا خود خدا گفته است: «من هرگز تو را ترک نخواهم کرد و تو را رها نخواهم کرد.» نویسنده در اینجا از تثنیه ۳۱ آیه ۶ استفاده کرده است، جایی که نویسنده می‌نویسد: «خدای تو هرگز تو را ترک نخواهد کرد و تو را رها نخواهد کرد.» و آن را با تبدیل آن به یک جمله اول شخص از جانب خدا اصلاح می‌کند. این به شنوندگان، مانند سراسر خطبه، پایه و اساسی برای اطمینان در ارتباطشان با خدا و تمایل خدا برای ایستادن همیشگی در کنار شنوندگان و فراهم کردن آنچه برای پایداری در سفری که خدا از ابتدا آنها را در آن قرار داده بود، فراهم می‌کند.

نویسنده از آیه ۶ مزمور ۱۱۸ برای توصیف واکنش مناسب به وعده‌های خداوند استفاده می‌کند، واکنشی که امیدوار است شنوندگان آن را درونی کرده و خود را نشان دهند. او می‌نویسد، بنابراین ما جرأت می‌کنیم بگوییم، خداوند یاور من است. من نخواهم ترسید.

یک انسان چه کاری می‌تواند با من انجام دهد؟ شنوندگان، اگر موضعی را که توسط مزمورنویس الگوبرداری شده است، اتخاذ کنند، با توجه به عظمت یاری الهی که در سفر خود از آن برخوردارند، همچنان در مواجهه با مخالفت‌های انسانی ترس را رد خواهند کرد. این بیانگر اطمینانی است که آنها می‌توانند در رقابت فعلی خود پیروز شوند زیرا خدا متحد آنهاست. بنابراین نویسنده در پی آن است که شنوندگان را تشویق کند تا در سپاسگزاری و وفاداری به خدا و پسر خدا پایدار بمانند و آنها را در شاگردی مطیعانه به پیش ببرند، زیرا در واقع، آنها چیزی برای ترسیدن از کسانی که در آن سفر با آنها مخالفت می‌کنند، ندارند.

بخش بعدی نصیحت، ضمن پرداختن به طیف گسترده‌ای از موضوعات، همچنان در خدمت هدف نویسنده است که همانا برانگیختن شنوندگان برای یافتن مرکزی است که به آنها ثبات و استحکام در امید مسیحی‌شان می‌دهد، و در نتیجه به آنها در رابطه و وظایفشان نسبت به یکدیگر و نسبت به عیسی نیز اطمینان می‌دهد. و بنابراین، در عبرانیان ۱۳، آیات ۷ تا ۸، می‌خوانیم: رهبران خود را که کلام خدا را به شما گفتند، به یاد داشته باشید. با نگاه به نتیجه نهایی رفتار آنها، از ایمان آنها تقلید کنید.

عیسی مسیح دیروز و امروز، همان و تا ابد است. نویسنده با اشاره به کسانی که کلام خدا را به شما گفتند، احتمالاً به تیم بشارتی قبلی اشاره دارد که جامعه مسیحی پیرامون اعلامیه آنها شکل گرفت. وقتی واعظ از شنوندگان می‌خواهد که نتیجه یا پیامد نهایی رفتار خود را در نظر بگیرند، کلمه اکباسبس در اینجا حسن تعبیر مکرری برای مرگ است، به نظر می‌رسد که او اشاره می‌کند که این بشارت‌دهندگان از آن زمان به ابر عظیم شاهدان پیوسته‌اند و نمونه‌های بیشتری از زندگی‌هایی که تا انتها در ایمان زیسته‌اند، از خود به جا گذاشته‌اند که شایسته تقلید شنونده است.

ثبات قدم و ایمان رهبران، به واسطه‌ای اعتماد بی‌چون و چرای آنها به عیسی، که دیروز و امروز و تا ابد همان است، میسر می‌شد. این جمله‌ی معروف در عبرانیان ۱۳:۸، تأییدیه‌ی بی‌طرفانه بر تغییرناپذیری الهی نیست بلکه تأییدی بر اعتماد مداوم عیسی است. دیو کریسوستوم، فیلسوف و دولتمرد یونانی که از حدود ۵۰ تا حدود ۱۲۰ میلادی می‌زیست، متن تطبیقی مفیدی را در زمینه‌ی خطابه‌ی خود درباره‌ی بی‌اعتمادی ارائه می‌دهد.

او شکایت می‌کند که، نقل قول، در مورد انسان‌ها، هیچ ثبات یا صداقتی وجود ندارد. آنچه کسی در مورد بخت گفته است، می‌تواند در مورد انسان‌ها نیز گفته شود، یعنی اینکه هیچ کس در مورد هیچ کس نمی‌داند که آیا او تا فردا به همین شکل باقی خواهد ماند یا خیر. به هر حال، مردم قراردادهایی را که با یکدیگر می‌بندند، نقض می‌کنند.

به دلیل این بی‌ثباتی در انسان‌ها، دیو فکر می‌کند که تا جایی که می‌توان از آن اجتناب کرد، عاقلانه‌تر این است که به انسان‌ها اعتماد نکنیم. با این حال، نویسنده عبرانیان تأکید می‌کند که یک مرد وجود دارد که شخصیت و کلامش در طول اعصار تغییر نمی‌کند، بلکه ثابت می‌ماند. به دلیل این ثبات، شنوندگان می‌توانند امروز و فردا به عیسی اعتماد کنند، همانطور که دیروز رهبران‌شان به عیسی اعتماد کردند و ناامید نشدند.

لطف عیسی که امروز اینجا نیست و فردا از بین نمی‌رود، بلکه همیشه نسبت به مؤمنانش وجود دارد، بدین ترتیب منبع ثبات قلب مخاطبان می‌شود. این خلاصه‌ای مؤثر از یکی از محورهای اصلی موعظه است، یعنی این واقعیت که کسی که وعده داده است، امین یا قابل اعتماد است. در آیات بعدی که می‌خوانیم، با آموزه‌های متنوع و بیگانه همراه نشوید، زیرا خوب است که قلب با لطف و نه با غذاها محکم شود.

کسانی که از چنین اعمالی پیروی می‌کردند، از آنها سودی نمی‌بردند، اما ما قربانگاهی داریم که کسانی که در خیمه عبادت می‌کنند، حق ندارند از آن غذا بخورند. عیسی، که اساس اعتماد است، در تضاد با چیزهای غیرقابل اعتمادی است که مردم ممکن است به دنبال تضمین یک لنگرگاه پایدار برای خود باشند. باید لحظه‌ای مکث کنیم تا چارچوب استدلالی این بخش را مشاهده کنیم.

نویسنده در ۱۳:۹ توصیه‌ای ارائه می‌دهد که نباید با آموزه‌های متنوع و بیگانه گمراه شد. سپس او یک دلیل منطقی توضیحی اضافه می‌کند، زیرا خوب است که دل‌ها به فیض استوار شوند، نه به غذاهایی که برای کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، فایده‌ای نداشته است. به این، او دلیل دومی اضافه می‌کند، زیرا ما یک قربانگاه داریم که کسانی که در خیمه زمینی خدمت می‌کنند، حق ندارند از آن بخورند.

بنابراین، هدف بلاغی آیه ۱۳:۹، فراهم کردن زمینه‌ای برای پایه و اساس امن اعتماد، یعنی عیسی است که بنیانگذاران جامعه در آیه ۱۳:۷ او را لنگری کافی و مناسب برای رسیدن امید خود به بندر یافتند. هر آموزه‌ای که قدیمی‌تر یا جدیدتر یا متفاوت از آموزه مربوط به واسطه‌گری مؤثر عیسی برای جلب لطف خدا و نحوه حفظ لطف باشد، ثبات خود شنونده در مسیح را تهدید می‌کند. چنین آموزه‌ای آنها را تهدید به نابودی می‌کند، دقیقاً برعکس ماندن در یک مکان ثابت و استوار.

برای ما که از محیط فوری جماعت بسیار دور هستیم، تشخیص دقیق آنچه واعظ به آن اشاره می‌کند، اگر آموزه‌های خاصی را که در میان جماعت‌ها رایج است، هدف قرار دهد، کاملاً متفاوت است. آنچه واضح است این است که یافتن ثبات برای زندگی خود در گرو رابطه‌ی متقابل فیض با خدا از طریق مسیح، مسیری شریف یا شرافتمندانه است. هر مسیر دیگری فایده‌ای ندارد.

آموزه‌های متنوع و عجیب به سطح غذا تنزل داده شده‌اند. این، تمایز اساسی واعظ را بین ماهیت عهد عتیق، یعنی مقررات بیرونی با اثربخشی و دامنه محدود، و عهد جدید، یعنی لطف خدا که توسط عیسی برای ما حاصل شده است، خلاصه می‌کند. در ۱۳:۱۰، خلاصه‌ای کوتاه از استدلال و نصیحت کل خطبه را می‌یابیم.

شنوندگان بار دیگر به مزایای بی‌نظیری که از طریق میانجیگری کاهنان عیسی به دست آمده بود، که در اینجا از نظر دسترسی به یک وعده غذایی آیینی ارائه شده است، یادآوری می‌شوند. اینکه چه کسی از چه بخشی از هر قربانی حیوانی بهره‌مند می‌شد، در تورات با دقت شرح داده شده بود و امتیازات کاهنان و الوهیت با حسادت حفظ می‌شد. با این حال، مسیحیان جایگاه ممتازی در سفره‌ای دارند که حتی آن کاهنان محترم نیز نمی‌توانند به آنجا بیایند، حداقل نه جدا از اتکای خودشان به عیسی.

در حالی که دیگران از سایه لذت می‌بردند، مخاطبان از چیز واقعی لذت می‌بردند و نباید این امتیاز را به خاطر هیچ چیز کمتری از دست بدهند. محراب عمداً مبهم است تا کل بحث مربوط به قربانی کاهنی مسیح

و فواید آن برای جامعه مسیحی را به یاد بیاورد. برخی از مفسران این احتمال را مطرح کرده‌اند که نویسنده در مورد میز عشاى ربانى یا شام خداوند یا عشاى ربانى صحبت می‌کند.

شرکت در این مراسم مذهبی، مشارکت مسیحیان در مزایای شکسته شدن بدن مسیح برای آنها و ریخته شدن خون برای آنها را به تصویر می‌کشد. و بنابراین، این مراسم با مضامین اصلی خطبه به عبرانیان بسیار همخوانی دارد. اگرچه نویسنده به صراحت به عشاى ربانى اشاره نمی‌کند، اما ماهیت فراگیر این مراسم در کلیسای اولیه و به ویژه در محافل پولس، که طبیعتاً معتقدیم نویسندگان عبرانیان و مخاطبان او از آنجا آمده‌اند، و علاقه کلی خطبه به مزایایی که مرگ عیسی برای شنوندگان به همراه داشته است، این خطبه را به یک طنین جذاب تبدیل می‌کند.

نویسندگان در آیات ۹: ۱۳-۱۰ اشاره می‌کنند که حیوانات قربانی و غذاها و آیین‌های مقدس، یا فقدان آنها او را به آیین‌های روز کفار به عنوان چارچوبی برای تفکر در مورد مرگ عیسی بازمی‌گرداند. بنابراین در آیات می‌خوانیم که اجساد این حیوانات که خونشان از طریق کاهن اعظم برای قربانی گناه به امکن ۱۴-۱۱ مقدس برده می‌شود، در خارج از اردوگاه سوزانده می‌شوند. بنابراین، عیسی نیز برای تقدیس مردم از طریق خون خود، در خارج از دروازه رنج کشید.

پس اکنون، بیایید با ننگ و عار او، بیرون از اردوگاه به سوی او برویم، زیرا ما اینجا شهری پایدار نداریم، بلکه به دنبال شهری هستیم که می‌آید. در واقع، اجساد قربانیان روز کفار توسط کاهنان خیمه خورده نشدند بلکه کاملاً سوزانده شدند. در حالی که خون توسط کاهن اعظم به امکن مقدس برده می‌شد، آنها گاو نر قربانی گناه و بز قربانی گناه را که خون آن برای کفار به امکن مقدس برده می‌شد، برمی‌داشتند و آنها را به بیرون اردوگاه می‌بردند و با آتش می‌سوزانند، همانطور که لاویان ۲۷: ۱۶ تصریح می‌کند.

نویسندگان عبرانیان اساساً نمونه اولیه، یعنی آیین روز کفار و تمام جزئیات آن را به عنوان حکمی برای آنچه که باید در نمونه اولیه، یعنی وقایع زندگی عیسی، تا جزئیات مصلوب شدن او که در خارج از دروازه دیوارهای اورشلیم اتفاق می‌افتد، تفسیر می‌کند. دستور دفع لاشه‌های قربانی‌های کفار در لاویان، تفسیر مرگ عیسی در خارج از اردوگاه یا خارج از دروازه را به عنوان قربانی‌ای که برای تقدیس مردم انجام شده است، تقویت می‌کند و در اینجا در آیه ۱۲ استدلال اصلی خطبه را یادآوری می‌کند. یادآوری عمل فداکارانه و نیکوکارانه عیسی مستقیماً به دعوت به قدردانی به همان اندازه در آیه ۱۳ منجر می‌شود.

بنابراین، بیایید بیرون از اردوگاه به سوی او برویم. شنوندگان نباید از بهای وفادار، محترم و سپاسگزار بودن به عنوان بهره‌مندان از هدایای عیسی، شانه خالی کنند. دین آنها به عیسی باید آنها را به ترک اردوگاه سوق دهد، همانطور که او برای آنها انجام داد و به خاطر او سرزنش را تحمل کنند، همانطور که او به خاطر آنها سرزنش را تحمل کرد.

این فراخوان با استعاره‌های بزرگ‌تر حرکت که نویسندگان در طول موعظه برای قرار دادن شنوندگان در جهان، استفاده کرده است، مطابقت دارد. خروج از اردوگاه مانند ترک خانه خود در ساختارهای این جهان است همانطور که ابراهیم و موسی نمونه آن بودند. چنین خروج پیش‌نیازی برای نزدیک شدن به خدا و در نهایت ورود به قلمرو ابدی است، جایی که عیسی به عنوان پیشگام آنها به آنجا رفته است.

مکان خارج از اردوگاه در میراث کتب مقدس یهود، مکانی مبهم است. از یک سو، مکانی ناپاکی است که در آن جذامیان ساکن هستند، جایی که افراد آلوده منتظر تطهیر خود هستند و جایی که قانون‌شکنان اعدام می‌شوند. از سوی دیگر، مکان‌های پاکی در خارج از اردوگاه وجود دارد که اجساد قربانیان در آنجا سوزانده می‌شوند و از همه جالب‌تر، جایی که حضور خدا یافت می‌شود.

این مورد آخر را در خروج ۳۳، آیات ۱ تا ۷ می‌بینیم، جایی که، نقل قول، موسی چادر را برداشت و آن را بیرون از اردوگاه، دور از اردوگاه، برپا کرد. و اتفاقاً هر کسی که به دنبال خداوند بود، از اردوگاه به سمت چادر می‌رفت. مکان‌هایی در حاشیه بیرون اردوگاه که پیروان مسیح که توسط عبرانیان مورد خطاب قرار می‌گیرند، خود را از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آنجا می‌یابند، مکان‌های قدرت مقدس نیز هستند که در آنجا باید با خدا روبرو شد.

تحمل سرزنش مسیح در اینجا در آیه ۱۳، یادآور تمایل موسی برای انجام همین کار در آیه ۲۵، فصل ۱۱، به خاطر پاداشی بزرگتر است. همانطور که موسی مدت‌ها پیش نشان داد، انتخاب تحمل سرزنش مسیح انتخابی عاقلانه و شریف است. این سرزنش در نهایت به معنای ثروتی بزرگتر از گنجینه‌های مصر است، زیرا این نشان کسی است که به قوم خدا پیوسته و بدین ترتیب به میراث ابدی پسران و دختران خدا راه یافته است.

همانطور که نویسنده در این جناس به شنوندگان یادآوری می‌کند، پایداری در مسیری که به تجربه‌ی فقدان و سرزنش در حال حاضر، به خاطر عیسی، منجر می‌شود، در نهایت مسیر سودمندی است، و فقدان یک شهر پایدار، یک شهر منوسون در اینجا، را با انتظار شهر آینده، شهر ملوسون، که تا ابد پایدار خواهد ماند، مقایسه می‌کند. سرمایه‌گذاری روی موقعیت خود در این دنیا، به ویژه اگر به معنای از دست دادن جایگاهی در پادشاهی خدا، پادشاهی پایدار یا ماندگار باشد، دقیقاً همان کاری است که عیسو احمقانه انجام می‌داد. عبرانیان ۱۵:۱۳ تا ۱۶، موضوع جبران منصفانه‌ی لطف‌های دریافت شده را، به ویژه با هدف ارج نهادن به حامی و ارائه خدماتی که او را خشنود کند، بسط می‌دهد.

نویسنده این مطلب را با زبانی آیینی بیان می‌کند، مطابق با آیات بلافاصله قبل، مضامین آیینی توصیه به سپاسگزاری در ۱۲:۲۸، و استدلال اصلی خطبه در مورد تقدیس شنوندگان توسط عیسی که آنها را برای تقدیم این قربانی‌های مقبول شایسته ساخته است. از طریق عیسی مسیح، بیاپید پیوسته قربانی ستایش یعنی ثمره لب‌هایی که نام او را اعتراف می‌کنند، به خدا تقدیم کنیم. فراموش نکنید که کار نیک انجام دهید. و به دیگران نیز کمک کنید، زیرا با چنین قربانی‌هایی، خدا بسیار خشنود است.

آیه اول در اینجا، آیه ۱۴ از مزمور ۵۰ را با زمینه‌ای جدید پیوند می‌دهد، جایی که مزمورنویس به شنوندگان خود دستور می‌دهد که قربانی ستایش به خدا تقدیم کنند، و این بر اساس یک سنت دیرینه عقلانی‌سازی قربانی در دین یهود است که به موجب آن، قربانی‌های شامل ستایش، شهادت و اعمال عدالت جایگزین قربانی‌های خونین حیوانات می‌شوند. در واقع، آیات ۱۲ و ۱۳ از مزمور ۵۰، غیرمنطقی بودن تفکر دادن غذا و نوشیدنی به خدا در قربانی‌های حیوانات را مورد انتقاد قرار داده و قربانی ستایش را به عنوان جایگزین معقول معرفی کرده است. اعتراف به نام خدا در اینجا به معنای گسترش شهرت محترمانه حامی است.

مترجمان سپتواجینت در سراسر مزامیر، کلمه یونانی را مکرراً برای ترجمه عبری «سپاسگزاری» انتخاب می‌کردند و بر ویژگی عمومی شکرگزاری به عنوان شهادت، شهادت عمومی به سخاوت خداوند تأکید می‌کردند. این یک چالش تکان‌دهنده در زمینه‌ای است که واعظ ما به آن می‌پردازد و بر بُعد عمومی شهادت به خداوند به عنوان ولی نعمت آنها تأکید می‌کند. مخاطبان با گفتار و کردار فراخوانده می‌شوند تا به همسایگان خود اعتراف کنند که هدایای خداوند خوب است و ارزش وفاداری به چنین عاملی را دارد، و بدین ترتیب، جسارت، در واقع شهادت جسورانه، را که مشخصه رویارویی‌های قبلی آنها با همسایگان بی‌ایمانشان بود، حفظ کنند.

شنوندگان همچنین فراخوانده شده‌اند تا خدمات خود را از طرف یکدیگر به خدا تقدیم کنند، منابع خود را روی هم بگذارند و به دنبال فرصت‌هایی برای کمک به یکدیگر در صورت نیاز باشند. فراموش نکنید که نیکی کنید و به اشتراک بگذارید، زیرا با چنین فداکاری‌هایی، خدا بسیار خشنود می‌شود، همانطور که نویسنده در

آیه ۱۶ سفارش می‌کند. اندیشه نویسنده در اینجا هنوز ریشه بسیار عمیقی در تأملات یهودی در مورد آنچه که خدا می‌خواهد قربانی کند، دارد.

او دوباره سخنان پیامبران عهد عتیق را تکرار می‌کند. برای مثال، عاموس به جای ذبح شرعی حیوانات خواستار طغیان معاملات عادلانه و اعمال صالح می‌شود. اشعیا مراقبت از فقرا و بی‌خانمان‌ها را به عنوان روزه ای که خدا را خشنود می‌کند، فرا می‌خواند و مردم را فرا می‌خواند تا به منافع فقرا، یتیمان و بیوه زنان توجه کنند تا قربانی‌های شرعی دوباره قابل قبول شوند.

در حالی که شنوندگان نمی‌توانند لطف خدا را که به هیچ چیز نیاز ندارد، جبران کنند، می‌توانند به طور غیرمستقیم سخاوت خدا را با قربانی به یکدیگر جبران کنند، نکته‌ای که به طرز چشمگیری در متی فصل آیات ۳۱ تا ۴۶ مطرح شده است. نویسنده عبرانیان این ارتباط بین سپاسگزاری از خدا و کمک به ۲۵، خواهران و برادران خود را تقویت می‌کند. همانطور که نویسنده در فصل ۶، آیه ۱۰ می‌گوید، مخاطبان هر زمان که در خدمت به مقدسین مانند گذشته کوشا باشند، این قربانی‌های دلپذیر را تقدیم می‌کنند.

در اینجا از شنوندگان دعوت می‌شود که از انجام کارهای نیک و سرمایه‌گذاری در یکدیگر که خداوند نیز فراموش نخواهد کرد، غافل نشوند. همانطور که نویسنده در آیه ۹ از فصل ۶ می‌گوید، خداوند ظالم نیست که کارهای محبت‌آمیز و خدمت شما را فراموش کند. این کارها دایره فیض را برای دریافت خیرات ابدی حفظ می‌کنند.

آیات ۱۸ تا ۲۵ از باب ۱۳ کتاب عبرانیان، با الگوی سایر پایان‌بندی‌های نامه‌های اولیه مسیحی، به ویژه آنهایی که در اول پطرس ۵ و رومیان ۱۵ یافت می‌شوند، مطابقت نزدیکی دارد. این الگوی درخواست، دعای خیر، ستایش، اخبار، اعلام سفر، سلام و وداع نهایی، اقتباسی از پایان‌بندی‌های معمول نامه‌های یونانی-رومی است. این اقتباس به ویژه در افزودن دعای خیر و ستایش آشکار است، که به ویژه برای فضای عبادی که این نامه‌ها و مکاتبات اولیه مسیحی در آن خوانده می‌شدند، مناسب است.

عبرانیان ۱۳:۱۷ را می‌توان به عنوان بخشی از توصیه قبلی مبنی بر مطیع یا فرمانبردار رهبران خود بودن شنید که با آیه «رهبران خود را به یاد داشته باشید» (در آیه ۷:۱۳، در یک ردیف قرار می‌گیرد. دستور به یاد داشتن رهبران پیشین که در ابتدا انجیل را آوردند، با توصیه به اطاعت از رهبران و معلمان فعلی ایمانشان متعادل می‌شود. اما همین نصیحت از نظر موضوعی به بخش پایانی نیز مرتبط است، که توجه قابل توجهی به چهره‌های رهبری دارد که مخاطبان باید برای راهنمایی، برای انتساب احترام یا سرزنش به آنها مراجعه کنند، چه رهبران محلی مانند آیات ۱۴ و ۲۴، چه نویسنده و تیمس در آیات ۱۸، ۱۹ و ۲۲، چه خدا در دعای خیر آیات ۲۰ و ۲۱، و حتی تیموتائوس که ملاقات احتمالی او در آیه ۲۳ ذکر شده است. و بنابراین در اینجا در آیه ۱۷ می‌خوانیم، مطیع یا فرمانبردار رهبران خود باشید، مطیع باشید، زیرا آنها مانند کسانی که در شرف حساب دادن هستند، مراقب جان‌های شما هستند تا این کار را با شادی و نه با ناله انجام دهند، زیرا این برای شما سودی نخواهد داشت.

نویسنده در اینجا نکته‌ای را در مورد اخلاق رهبری مسیحی به اشتراک می‌گذارد. رهبران خود را خستگی‌ناپذیر وقف زیردستان خود می‌کنند. فعل استفاده شده این حس را القا می‌کند که گویی خواب از سرشان پریده و به نفع زیردستانشان از خواب می‌پرند.

آنها این نظارت را همواره با توجه به نظارت خود خدا بر خود به عنوان افرادی که برای خود و مسئولیت‌هایشان به شبان بزرگ گوسفندان حساب پس خواهند داد، اعمال می‌کنند. نویسنده ادعا می‌کند که اگر خدمت رهبرشان باعث ناراحتی رهبران شود، برای جامعه مناسب نخواهد بود. همکاری باید از هر نظر، از جمله همکاری با رهبری برای خیر و صلاح کل، نشانه جامعه مسیحی باشد.

انرژی صرف شده برای درگیری، انرژی‌ای است که برای تهذیب و مقاومت در برابر سایر نیروهای فرساینده از بیرون در دسترس نیست. نویسنده سپس درخواست دعا می‌کند. برای ما دعا کنید، زیرا ما متقاعد شده‌ایم که در همه چیز وجدان خوبی داریم و می‌خواهیم با شرافت رفتار کنیم.

من شما را تشویق می‌کنم که این کار را بیشتر انجام دهید تا بتوانم به سرعت به شما بازگردم. این درخواست دعا نمونه‌ای از نوعی کمکی است که می‌توان از عرش لطف انتظار داشت، همانطور که نویسنده در آیات تا ۱۶ باب ۴ بیان کرده است. و از شنوندگان خواسته می‌شود که در اینجا برای خود گوینده به موقع ۱۴ کمک بخواهند. گوینده تأیید می‌کند که او و تیمش، شرکای او در خدمت، در برابر خدا وجدان خوبی دارند که نشان دهنده عدم وجود موانع بین گوینده و خدایی است که دعای آنها را اجابت می‌کند، و همچنین بین گوینده و شنوندگانی که او درخواست میانجیگری آنها را دارد.

این درخواست دعا، منعکس کننده‌ی فایده‌ی بزرگی است که مسیح قطعاً برای همه مؤمنان به ارمغان آورده است، یعنی پاکسازی وجدان آنها از آلودگی گناهان. این درخواست دعا همچنین نشانه‌ی روشنی از آشنایی قبلی بین واعظ و جماعت است، زیرا او می‌نویسد: «این دعا را بکن تا من به سرعت به تو بازگردم». آنها نوعی رابطه‌ی قبلی دارند، واعظ حداقل در مقطعی از گذشته در جماعت حضور داشته است.

نویسنده در ادامه، دعای خیری را برای جماعت خود اعلام می‌کند که با آیات بعدی از راه دور اعطا می‌شود و باشد که خدای صلح، که شبان بزرگ گوسفندان را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید، خداوند ما عیسی، شما را در هر کار نیکو کامل گرداند تا اراده او را به جا آورید و آنچه را که مایه خشنودی اوست، به وسیله عیسی مسیح، که او را تا ابد عزت باد، در شما شکل دهد. آمین.

این دعای پایانی، چندین مضمون مهم از شرح و نصایح پیشین را در هم می‌آمیزد. نخست، بار دیگر خدا را به عنوان علت فعال رستاخیز عیسی از مردگان معرفی می‌کند، و بنابراین دوباره او را به عنوان کسی که قدرت زنده کردن زندگی از مرگ را دارد، تأکیدی که در سراسر عبرانیان ۱۱ دیدیم. همچنین از رستاخیز عیسی توسط خدا به عنوان نشانه‌ای از پذیرش عهدی که با فداکاری عیسی برقرار شده بود، سخن می‌گوید، که مضمون اصلی عبرانیان ۷ تا ۱۰ است.

نویسنده از آیه ۱۱ از اشعیا ۶۳ استفاده می‌کند، جایی که خدا موسی را از زمین به عنوان چوپان گوسفندان برمی‌خیزاند. نویسنده در اینجا یک مقایسه ضمنی انجام می‌دهد و از عیسی اکنون به عنوان چوپان بزرگ گوسفندان صحبت می‌کند، کلمه «بزرگ بودن» کلمه‌ای است که در جای دیگری در عبرانیان برای عیسی به کار رفته است، مانند کاهن اعظم بزرگ در ۱۰:۲۱. این یادآوری ضمنی برتری عیسی نسبت به واسطه‌های قبلی لطف خدا، مانند موسی است، که قبلاً در عبرانیان ۳:۱ تا ۶ به صراحت با آنها مقایسه شده بود. توصیف عیسی به عنوان چوپان در فرهنگ مسیحی بسیار رایج است. می‌توان انجیل یوحنا، فصل ۱۱:۱۰ تا ۱۴ یا اول پطرس ۲:۲۵ را به یاد آورد.

همچنین با گفتمان یهودی در مورد خدا به عنوان چوپان قوم اسرائیل در حزقیال ۳۴ یا چوپان فرد صالح در مزمو ۲۳ طنین‌انداز است. نویسنده از خدا می‌خواهد که مخاطبان را با هر چیز خوبی مجهز کند تا آنها را برای انجام اراده خدا کامل کند، همانطور که عیسی انجام اراده خدا را دستور کار اصلی خود قرار داد. در اینجا می‌توان به کاربرد نویسنده از مزمو ۴۰ آیه ۸ در عبرانیان ۱۰: ۴ تا ۱۰ اشاره کرد.

ببین، من اینجا هستم، آمده‌ام تا اراده تو را انجام دهم. بنابراین، اکنون، این انجام اراده خدا باید مورد توجه مخاطبان نیز قرار گیرد. باز هم، خشنود کردن خدا، ملاحظه اصلی است که نویسنده در طول فصل‌های ۱۱

و ۱۲ در مقابل شنوندگان قرار داده است، نه اینکه به دنبال خشنود کردن انسان‌ها، مثلاً همسایگان بی‌ایمان مسیحی، باشد.

همانند تمام مواهب الهی، این مواهب نیز، یعنی توانایی خشنود ساختن خدا و انجام مداوم اراده خدا، از طریق عیسی مسیح تضمین خواهد شد، که بدین ترتیب قاطعانه در نقش دلال یا واسطه لطف الهی باقی می‌ماند. وقتی واعظ در پایان این دعای خیر می‌نویسد: «که جلال تا ابد از آن اوست»، بلافاصله مشخص نیست که منظور او کیست. آیا منظور خداست یا عیسی؟ نزدیکی نام عیسی به این ضمیر موصولی، او را به مرجع طبیعی‌تری تبدیل می‌کند.

اما از سوی دیگر، واعظ در سراسر نصایح خود تا حدودی خدامحور بوده است. در ۱۲:۲۸، سپاسگزاری باید از طریق پرستش توأم با احترام به خداوند نشان داده شود. در ۱۳:۱۵ و ۱۶، قربانی‌های ستایش، اعتراف و خدمت از طریق عیسی مسیح به خداوند تقدیم می‌شود.

این می‌تواند نشان دهد که خدا دوباره به خاطر هدایایی که از طریق عیسی مسیح می‌دهد، مورد احترام قرار گرفته است، و همواره واسطه کسانی است که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند. نویسنده اکنون خطبه خود را در آیات ۲۲ تا ۲۵ با عناصر آشنای خبر و برکت به پایان می‌رساند. او می‌نویسد: «خواهران و برادران، شما را تشویق می‌کنم که کلام نصیحت‌آمیز مرا تحمل کنید، زیرا به طور خلاصه برای شما نوشته‌ام».

شما می‌دانید که برادرمان تیموتائوس آزاد شده است و اگر زود بیاید، با او به دیدار شما خواهم آمد. به همه رهبران و همه مقدسین خود سلام برسانید. و آنان که از ایتالیا هستند، به شما سلام می‌رسانند.

نامگذاری اثر خود توسط نویسنده به عنوان یک کلمه نصیحت‌آمیز نشان می‌دهد که این اثر به ژانر موعظه یا خطابه تعلق دارد، زیرا در واقع، این اصطلاح به طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اعمال رسولان ۱۳، آیه ۱۵، عبارتی را می‌یابیم که در کنیسه‌ای از یهودیان مهاجر برای اشاره به یک موعظه استفاده می‌شود. نویسنده تأیید می‌کند که پیام را مختصر نگه داشته است تا توجه آنها را جلب نکند.

این واقعیت که خواندن مؤثر و احساسی این خطبه تقریباً یک ساعت طول می‌کشد، نباید باعث شود که این گفته را ریاکارانه بدانیم. بسیاری از سخنرانی‌های دیوکریتوس یا سیسرو سه برابر بیشتر طول می‌کشید. نامه با اخبار، برنامه‌های سفر، سلام و دعای خیر کلیشه‌ای به پایان می‌رسد.

در مورد اخبار، نویسنده گزارشی مبنی بر آزادی برادرمان تیموتائوس منتشر می‌کند، که ممکن است برای جماعت، خبری قدیمی باشد. شما می‌دانید که برادرمان تیموتائوس آزاد شده است. احتمالاً این همان تیموتائوسی است که همسفر و شاگرد پولس بود.

آزاد شده «به معنای زندانی شدن اخیر است، وضعیتی که رهبران حلقه مسیحی اغلب در معرض آن قرار» می‌گرفتند. این زندانی شدن تیموتائوس در عهد جدید به طور دیگری تأیید نشده است، مگر اینکه اتفاقاً همان زندانی شدن مشترک تیموتائوس و پولس باشد که در فیلیمون، آیه ۱ به آن اشاره شده است. نویسنده می‌گوید که تیموتائوس در حال حاضر در حال سفر به محل اقامت نویسنده است تا هر دو بتوانند با هم از جماعت بازدید کنند، اما نویسنده آنقدر مشتاق بازدید از این جماعت است که ممکن است منتظر نماند بنابراین، مخاطبان ممکن است مشتاقانه منتظر بازگشت این رهبر و معلم باشند و بنابراین منابع او را برای استقامت گروه شخصاً در اختیار داشته باشند.

نویسنده از شنوندگان می‌خواهد که به رهبران خود و همه مقدسین درود بفرستند و در آیه ۲۴ درود اهل ایتالیا را نیز منتقل می‌کند. این احتمالاً بیشتر یک درخواست کلیشه‌ای برای رساندن درود واعظ به کل

جماعت است، چیزی که در لحظه‌ای که خطبه با صدای بلند برای آنها خوانده می‌شود، محقق می‌شود. همانطور که در بخش مقدماتی بررسی کردیم، درود و سلامی که نویسنده از اهل ایتالیا بیان می‌کند، به طور برجسته‌ای در بازسازی موقعیت مکانی مخاطب دیده می‌شود.

اگرچه ارتباطی با ایتالیا، به ویژه کلیسای رم، مطرح می‌شود، اما تشخیص اینکه آیا این تبریک از ایتالیایی‌هایی است که در رم به همراه نویسنده حضور داشته‌اند و برای جماعتی خارج از ایتالیا که نویسنده بعداً به آنجا باز خواهد گشت، فرستاده شده‌اند یا اینکه این تبریک از ایتالیایی‌هایی است که در خارج از ایتالیا به همراه نویسنده حضور داشته‌اند و درود خود را به خانه فرستاده‌اند، دشوار است. اما همانطور که قبلاً بررسی ایتالیایی‌ها، یعنی hoi apotes، کردیم، به نظر می‌رسد احتمال اول وزن بیشتری دارد. هم زبان خاص اینجا آن‌هایی که اهل ایتالیا هستند، به جای محل جدایی، به محل مبدا اهمیت می‌دهند.

شواهد موجود در نسخه‌های خطی اولیه که در آن‌ها کاتبان تلاش کرده‌اند عنوانی ارائه دهند که در آن موقعیت نویسنده و مخاطبان به اتفاق آرا ذکر شده باشد، ایتالیا را به عنوان خاستگاه این خطبه ترجیح می‌دهد. ما نباید قدرت این یادآوری‌های کوچک از ماهیت جهانی یا حداقل فرامحلی جنبش مسیحی را دست کم بگیریم. مؤمنان در هر مکانی ممکن است با دانستن اینکه بخشی از یک گروه بسیار بزرگتر هستند و نه یک اقلیت بسیار کوچک، آنطور که شرایط محلی‌شان ممکن است آنها را به فکر فرو ببرد، دلگرم شوند.

نویسنده با یک عبارت کلیشه‌ای برکت، نوشته را به پایان می‌رساند. فیض یا لطف الهی شامل حال همه شما باد. این عبارت در سراسر ادبیات مسیحی در پایان مکاتبات دیده می‌شود.

برای مثال، در رومیان، دوم قرن‌تین، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان و چندین رساله دیگر. اگرچه مسلماً کلیشه‌ای است، اما پایانی بی‌نظیر و مناسب برای این خطبه است که در آن فیض خدا و راه‌هایی که عیسی از طریق آنها لطف خدا را برای مؤمنان به ارمغان آورده است، مباحث برجسته‌ای بوده‌اند و در آن، پشتکار در کلیسا به عنوان راهی برای ماندن در حوزه لطف خدا ترویج شده است، در حالی که ارتداد به عنوان راهی برای محرومیت از لطف محکوم شده است. بنابراین، آرزوی پایانی خطبه «باشد که فیض با همه شما باشد»، خلاصه‌ای از توصیه‌های نویسنده به شنوندگان است تا در واقع به جای کنار گذاشتن آن، در مسیر تجربه لطف خدا پایدار بمانند.

عبرانیان ۱۳ به جای اینکه یک مطلب فرعی یا مجموعه‌ای از نصایح اضافه باشد، به طور قابل توجهی به قدرت بلاغی خطبه می‌افزاید. نصایح ۱: ۱۳-۱۶، به ویژه به دلیل نحوه معرفی آنها با دستور فصل ۲۸: ۱۲، از قدرت زیادی برخوردارند. اینها اعمالی هستند که پاسخی مناسب برای سپاسگزاری از خدا را تشکیل می‌دهند. و رفتار انسان را برای خدایی که حساب ما با اوست، خوشایند می‌کنند.

نویسنده همچنین در این بخش از خطبه خود به مهندسی اجتماعی که برای کمک به هر مؤمنی در مقاومت در برابر استرس‌ها و فشارهایی که همسایگانش بر او وارد می‌کنند، ضروری است، توجه مداومی دارد. تصویر خروج از اردوگاه به عنوان مسیری برای نزدیک شدن به شهر ابدی‌شان نیز وزن بلاغی قابل توجهی دارد. این تصویر دیگری است که نویسنده با آن شنوندگان را تشویق می‌کند تا پشتکار در این سفر را به عنوان راه مفید پیش رو در نظر بگیرند.

خروج از اردوگاه، الگویی را تکرار می‌کند که پیشگام آنها، عیسی، برای آنها پیشگام بود، زیرا او از اردوگاه خارج شد و در اطاعت از خدا به عنوان ایستگاهی بین راهی، در واقع، در راه بازگشت به جلسه خود در جلال، در بیرون از دروازه‌ها مصلوب شد. همانطور که خود شنوندگان از اردوگاه به دنبال عیسی خارج می‌شوند و جایگاه خود را در جامعه خود ترک می‌کنند، آنها نیز می‌توانند مطمئن باشند که اولاً به خاطر سرمایه‌گذاری عیسی بر روی آنها و تمایل او به تحمل سرزنش به خاطر آنها، به او پاداش مناسبی می‌دهند، و ثانیاً به جایی

می‌رسند که پیشگام آنها از طرف آنها به آنجا رسیده است. بنابراین نویسنده همچنان به ترویج بخشیدن به عیسی همانطور که عیسی به آنها داد، ادامه می‌دهد و بخش کوچکی از آنچه عیسی برای آنها تحمل کرد را به عنوان مؤلفه اساسی یک پاداش منصفانه، برای عیسی تحمل می‌کند.

نویسنده همچنین اعتراف به نام مسیح، اعلام عمومی قدردانی از عیسی و خدای اسرائیل که عیسی آنها را با او مرتبط کرده است، و همچنین انجام اعمال خدمت و حمایت از هم‌ایمانان خود را به عنوان هدایای شکرگزاری مناسب به خدا، ترویج می‌دهد. بار دیگر، اهمیت ارزش اجتماعی اصلی عمل متقابل در اینجا برای استراتژی بلاغی این خطبه به طور کلی آشکار می‌شود. نصایح نویسنده در این فصل همچنان به طرق بسیار مستقیمی با مسیحیان معاصر صحبت می‌کند.

ارتقای ارزش فیلادلفیا، عشق برادرانه و خواهرانه، به عنوان اخلاقی که باید روابط درون کلیسا را توصیف کند، ما را به چالش می‌کشد تا برادر و خواهر را چیزی بیش از خطاب‌های سطحی بدانیم. او ما را ترغیب می‌کند که در سرمایه‌گذاری روی یکدیگر، در اجازه دادن به مسیحیان دیگر در زندگی‌مان، و در استفاده از منابعمان برای خواهران و برادران نیازمندان، بیشتر و بیشتر واقعی شویم. بنابراین، کلیسا می‌تواند به پناهگاهی قابل اعتماد برای حمایت تبدیل شود که می‌تواند به بسیاری از افراد کمک کند تا سبک زندگی و موقعیت‌های مضر را پشت سر بگذارند، با این آگاهی که این سفر را در کنار افرادی طی خواهند کرد که کاملاً به آنها علاقه‌مند هستند تا آنها را از این شرایط عبور دهند.

با این حال، برای اینکه افراد چنین حمایتی را احساس کنند، مستلزم تعهد قبلی مؤمنان در کلیسا برای خویشاوندی با یکدیگر و پذیرش تعهدات و تعهد متقابلی است که خانواده بودن به همراه دارد. نویسنده، همچنین ما را ترغیب می‌کند که مهمان‌نوازی را به یک عمل واقعی و منظم در کلیساهای خود تبدیل کنیم، چه نسبت به سایر مسیحیان و چه نسبت به کسانی که ممکن است به عنوان مسیحی به آنها خدمت کنیم و سطح شگفت‌انگیزی از عشق و لطف را نشان دهیم. این عشق گسترده به خواهران و برادران باید به ویژه به آن دسته از برادران و خواهرانی که بیشتر در حاشیه قرار دارند، گسترش یابد.

نویسنده، همزمان با ترغیب اعضای کلیسای خود، به ما یادآوری می‌کند که زندانیان را همچون زندانیانی که با آنها زندانی هستند و کسانی که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند را همچون عضوی از وجودشان به یاد داشته باشیم. این امر ما را ترغیب می‌کند که برای مسیحیان در محیط‌های سرکوبگر، اخلاق یک خانواده جهانی خدا را اتخاذ کنیم. چالش ما به عنوان خواهران و برادران آنها این است که از آنها به عنوان اعضای خانواده خود مراقبت کنیم.

در طول این سال‌ها، از کشف این موضوع که بسیاری از مسیحیان چقدر تمایلی به یادگیری واقعی در مورد سناریوهایی که بسیاری از مسیحیان در سراسر جهان با آن مواجه هستند، ندارند، شگفت‌زده شده‌ام. خانواده بودن برای خواهران و برادرانمان در مسیح مستلزم باز کردن چشم‌ها و قلب‌هایمان به آنچه در ورای مرزهایمان می‌گذرد و تبدیل کردن وضعیت آنها به دغدغه و علاقه فوری ماست، گویی که در پوست آنها هستیم. این می‌تواند ما را به چندین مکان برای سرمایه‌گذاری در حمایت و تسکین خانواده‌مان در این محیط‌های سرکوبگر سوق دهد، از جمله دعا، تعهد به شکستن سکوت در مورد وضعیت آنها، تعهد به بسیج کمک برای کسانی که خودشان به حاشیه رانده شده‌اند، یا در مواردی که حتی مسیحیان اعدام می‌شوند، حمایت از خانواده‌هایی که آنها به جا می‌گذارند، که بنابراین احساس نمی‌کنند توسط خدایی که برای او اینقدر فداکاری کرده‌اند، رها شده‌اند، و همچنین لابی‌گری برای پایان دادن به سرکوب ناعادلانه.

نویسنده همچنین ما را به چالش می‌کشد تا به شناسایی و رد کردن شیوه‌های عملی که تعهد مسیحی ما و توانایی ما برای پاسخگویی مشترک به خدا را آنطور که شایسته خداست، تضعیف می‌کند، ادامه دهیم. دو موردی که او در عبرانیان ۱۳ از آنها نام می‌برد، همچنان در بسیاری از کلیساهای معاصر به عنوان چالش

مطرح هستند، اولین مورد، چالش وفاداری زناشویی است که پیوند زناشویی را به منبعی از قدرت برای استقامت تبدیل می‌کند، به جای اینکه اجازه دهد با عدم احترام و حفظ سلامت آن رابطه، به مانعی برای همسران و جماعت ما تبدیل شود. ثانیاً، میل به سود، یا عشق به پول، همانطور که نویسنده می‌گوید، همچنان یک مانع جدی برای شاگردی متعهدانه است.

میل به بیشتر، چالشی واقعی برای وفاداری به خداست. اذعان به کافی بودن، راه رسیدن به رضایت و آزاد کردن مقدار زیادی وقت و انرژی برای دنبال کردن برنامه خدا برای روح ما، برای کلیساهای ما و برای جهان ماست. افرادی که برای زندگی در کشورهای سرمایه‌داری تحصیل کرده و اجتماعی شده‌اند، اغلب در درک آنچه کافی است مشکل دارند و به ندرت به این فکر می‌کنند که با کمتر از آسایش و لذت‌های این دنیا زندگی کنند تا بتوانند بیشتر از آنچه خدا می‌خواهد، از آنچه ما را در نظر خدا ثروتمند می‌کند، جستجو کنند.

و بنابراین، نویسنده نیاز به بررسی مداوم خودمان را پیش روی ما قرار می‌دهد. آیا ما به ثروت خود اعتماد داریم یا به خدا؟ آیا استفاده ما از ثروت، به عنوان مثال، نشان می‌دهد که به خدا اعتماد داریم، همانطور که آن را مطابق با ارزش‌های خدا استفاده می‌کنیم، مانند سرمایه‌گذاری در زندگی و رفاه خواهران و برادرانمان که به شدت نیازمند هستند؟ یا اینکه استفاده ما از ثروت نشان می‌دهد که امنیت اساسی خود را در پول خود جستجو می‌کنیم، به عنوان مثال، همانطور که انبارهای بزرگتری برای خود می‌سازیم؟ نویسنده همچنین از شنوندگان خود می‌خواهد که به سوی عیسی بیرون بروند و سرزنش او را به دوش بکشند. حتی در کشورهایی که مسیحیت تحمل می‌شود، می‌توانیم فراخوانده شویم تا سرزنش مسیح را به دوش بکشیم.

برای مثال، وقتی به بی‌عدالتی که بسیاری از آن سود می‌برند اعتراض می‌کنیم، وقتی در مقابل تعصباتی که بسیاری گرامی می‌دارند می‌ایستیم، وقتی اطاعت از دعوت خدا را انتخاب می‌کنیم، در حالی که این به معنای از دست دادن خوبی‌هایی است که جامعه اطراف ما ارج می‌نهد، نویسنده از ما می‌خواهد که با دقت نگاه کنیم، با دقت تشخیص دهیم که کجا به خاطر مسیح به خاطر ترس از سرزنش که ممکن است به خاطر او متحمل شویم، به خاطر ترس از دست دادن چیزی که برای ما عزیز است، یا به خاطر ترس از دست ندادن به آنچه تربیت ما در دنیا به ما آموخته است، به سمت او نمی‌رویم. وقتی وفاداری ما به خدا و اطاعت از دعوت خدا باعث می‌شود که این سرزنش را تحمل کنیم، نویسنده عبرانیان ما را به پذیرش آن تشویق می‌کند، زیرا روشی که خدا ما را هدایت می‌کند، ما را به شهر ابدی، خانه و هدف واقعی ما، نزدیک‌تر و از گرفتاری ما در اردوگاه دنیوی دورتر می‌کند. در پایان خطبه خود، نویسنده به ویژه ارزش خشنود کردن خدا را به عنوان چیزی که باید در صدر جاه‌طلبی‌ها و برنامه‌های ما برای خودمان باشد، بالا می‌برد.

و به طور خاص، او ما را ترغیب می‌کند که به عنوان افرادی که با مرگ عیسی برای ما تقدیس شده‌اند، به انجام آن دسته از اعمالی بپردازیم که به وظیفه کاهنی ما در قبال خدا تبدیل می‌شوند. او ما و شنوندگانش را ترغیب می‌کند که به قربانی‌هایی که مورد رضایت او هستند، یعنی قربانی ستایش، ثمره لب‌هایی که نام خدا را تصدیق می‌کنند، ادامه دهیم و همچنین از انجام کارهای نیک و مشارکت غافل نشویم و این موارد را به عنوان اعمال شکرگزاری از خدا در مرکز زندگی و برنامه‌های خود قرار دهیم. بنابراین، نویسنده تمام زندگی را به طور بالقوه مقدس می‌کند، زیرا ما این وظیفه شهادت به خدا و خدمت به خواهران و برادران خود را به دلیل مشارکت در این فعالیت‌ها انجام می‌دهیم.

وقتی درگیر این فعالیت‌ها می‌شویم، خارج از مرکز قدردانی از خدا زندگی می‌کنیم. قربانی ستایش، ثمره لب‌هایی که نام خدا را تصدیق می‌کنند، ما را تشویق می‌کند که در صحبت کردن درباره خدا جسور باشیم، حتی در فضاهایی که فرهنگ ما، به روش‌های ظریف و نه چندان ظریف، ما را از ایده صحبت کردن در مورد تصدیق هدایای خدا به ما و جایگاه خدا در زندگی‌مان معذب کرده است. با این حال، اگر دین خود را پشت درهای کلیساها یا درهای خانه‌ها پنهان نگه داریم، باید به چیزی تبدیل شویم که نویسنده عبرانیان به شدت از

شنوندگان خود خواسته است که نشوند: مسیحیانی بدون جسارت، ترس یا تمایل به صحبت در مورد ارتباطشان با عیسی در جلسات عمومی.

واکنش قدردانی ما همچنین ما را به سمت حوزه‌های خدمت مطیعانه سوق می‌دهد. مسیحیان پروتستان اغلب به طور خاص به این موضوع حساس هستند که چگونه اعمال نیک در زندگی مسیحی جای می‌گیرند و همیشه در برابر هر چیزی که ممکن است بویی از اعمال نیک بدهد، محتاط هستند. نویسندگان عبرانیان الگویی متفاوت و، به نظر من، منسجم‌تر به ما ارائه می‌دهد.

کارهای نیک بخش ضروری از پاسخ سپاسگزاری ما به خداوند برای تمام هدایایش به ماست. اگرچه آنها لطف خداوند را که عمل آغازین است، به دست نمی‌آورند، اما بازگشت ضروری لطف به خداوند هستند و اگر این حلقه‌ی عمل متقابل در جایی شکسته شود، زیبایی رقص زندگی مسیحی که خداوند به حرکت درآورده است، خدشه‌دار می‌شود.

هرچه درک خود را از عظمت لطف خدا و هدایایی که خدا عطا می‌کند و خواهد کرد، عمیق‌تر می‌کنیم، تعهد خود را برای جبران لطف، برای جلال بخشیدن به این خدا و خدمت به او با وفاداری کامل نیز عمیق‌تر خواهیم یافت. به همین دلیل، نویسندگان، فیض را به عنوان چیزی که قلب مؤمن را به طور شایسته و شایسته‌ای استوار می‌کند، ستایش می‌کند و او را در اعتماد به عیسی ایمن می‌سازد و همچنین او را به عضوی قابل اعتماد از خانواده خدا تبدیل می‌کند. در طول این ارائه‌ها، ما با هم بخش زیادی از زمینه را پوشش داده‌ایم، از آنچه می‌توان در مورد زمینه‌ای که موعظه به عبرانیان از آن سرچشمه گرفته است آموخت شروع کردیم و سپس از ابتدا تا انتها متن را بررسی کردیم تا راه‌هایی را که یک کشیش در قرن اول سعی می‌کرد جماعت خود را در تعهدشان به مسیح و امید مسیحی‌شان در مواجهه با سختی‌ها و زیان‌های مداوم که چنین تعهدی از همسایگان بی‌حمایتشان برایشان به همراه داشت، ثابت و پایدار نگه دارد، تشخیص دهیم.

برخی از نکات اصلی این مطالعه شامل موارد زیر است: در درجه اول، تمرکز بر عیسی، غافل نشدن از او و آنچه که شایسته اوست در بحبوحه مشغله‌های زندگی روزمره، غافل نشدن از عظمتی که مسیح به واسطه پسر خدا بودن و نشستن در دست راست خدا، از آن برخوردار است، در بحبوحه چالش‌هایی که روز به روز بر سر راه ما قرار می‌گیرند، و از دست ندادن تمام کارهایی که عیسی انجام داد، یعنی فداکاری برای ما تا ما را به خدا متصل کند و ما را به زندگی‌ای که خدا را خشنود می‌کند، زندگی‌ای که تا ابد پایدار است، برساند. نویسندگان عبرانیان از ما می‌خواهد، همانطور که از مخاطبان اولیه خود می‌خواست، این را نقطه کانونی اصلی زندگی خود قرار دهیم، نقطه شروعی برای ترسیم مسیر روزانه خود تا از مسیر منحرف نشویم. دومین درس مهمی که نویسندگان عبرانیان بر ما می‌گذارد این است که به خودمان اجازه دهیم از اینکه چگونه مورد لطف خدا قرار گرفته‌ایم، آگاهی کامل داشته باشیم و خود را متعهد کنیم که به خدا پاسخ دهیم، همانطور که سخاوت خدا ایجاب می‌کند و شایسته آن است.

او قدردانی را به عنوان یک ارزش اساسی پیش روی ما قرار می‌دهد و ما را ترغیب می‌کند که در هر کاری که انجام می‌دهیم، به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم به خدایی که این همه برای ما انجام داده است، افتخار یا وفاداری نشان دهیم یا خدمتی مطیعانه ارائه دهیم، یا اینکه چگونه آنچه در نظر داریم ممکن است از افتخار خدا بکاهد یا ممکن است نشان‌دهنده بی‌وفایی نسبت به حامی بزرگ ما باشد یا ممکن است نوعی نافرمانی را به اجرا بگذارد که او را بی‌حرمت کند. و به دلیل قدردانی، به دلیل آگاهی ما از آنچه خدا برای ما انجام داده و به ما داده است، و آنچه خدا هنوز با وعده‌های خلل‌ناپذیر خود پیش روی ما قرار می‌دهد نویسندگان همیشه ما را ترغیب می‌کند که همیشه مسیری را انتخاب کنیم که تعهد ما به خدا، قدردانی ما از خدا، را در آن موقعیت‌ها نشان دهد. چیز دیگری که نویسندگان به طور فراموش‌نشدنی بر ما تأثیر می‌گذارد، اهمیت حمایت ما از یکدیگر در این سفر ایمان است.

او از ابتدا تا انتها به شنوندگان خود یادآوری می‌کند که هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم با اطمینان روی رسیدن به هدف به تنهایی حساب کنیم، اما در بسیاری از نقاط، برای تمرکز مجدد، اصلاح، و حمایت عاطفی و حتی مادی در طول این سفر به خواهران و برادران خود تکیه خواهیم کرد. و بنابراین او ما را ترغیب می‌کند که مطمئن شویم در زندگی خودمان، در زندگی‌های جمعی‌مان، به تبدیل شدن به این خانواده‌ی حامی و متقابلاً متعهد، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شویم تا هیچ‌کدام از ما از تمام آنچه خداوند، به لطف خود، پیش روی ما قرار داده است، کوتاهی نکنیم.